



Committee for Unity and Coordination of Afghanistan Revolutionary Forces

به مناسبت هشتم مارچ روز جهانی زن

زنجیرهای ستم را پاره کنید!



در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان، هشتم مارچ روز جهانی زن در حالی فرا می‌رسد که زنان زیر ساطور جلادان طالبی قرار دارند. این روز در حالی فرا می‌رسد که زنان حتی از حقوق اولیه شان محروم گردیده اند. این روز در حالی فرا می‌رسد که "جامعه جهانی" و در رأس شان امپریالیزم امریکا از طالبان جنایت کار و زن ستیز حمایت می‌کنند. این روز در افغانستان در حالی فرا می‌رسد که زنان نه تنها در چهار دیوار خانه محصور اند، بل که به شکل وحشیانه مورد سرکوب امارت اسلامی افغانستان قرار گرفته اند. این روز در حالی فرا می‌رسد که زنان به شکل وحشیانه و با زور جبر در روز روشن از بین جاده‌ها زیر نام "بی‌حجابی" بازداشت و مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار می‌گیرند. این روز در حالی فرا می‌رسد که مردم شاهد برخورد ظالمانه و ددمنشی روزمره نظام "حاکم مملو" طالبان بر زنان اند. روز هشت مارچ در حالی فرا می‌رسد که زنان زیر ستم چند لایه طالبان قرار گرفته اند.

در شرایط کنونی نصف کره خاکی زیر ستم جنسیتی قرار دارند، یا به عبارت دیگر ستم جنسیتی بعد جهانی دارد و ادعای برابری میان زنان و مردان یک ادعای دروغین بیش نیست. امروز امپریالیزم از زنان به عنوان کالای تجارتي استفاده می‌کند و در بازار جهانی عرضه می‌دارد. نمونه بارز این تجارت، "صنعت سکس" در جهان می‌باشد. حتی در این کشورها زنان از سقط جنین محروم اند.

در کشورهای مستعمره - نیمه مستعمره - نیمه فئودالی، زنان به صورت جدی تری زیر ستم قرار دارند. ستم بر زن در این کشورها به صورت یک قانون رسمی شناخته شده و زنان را به بردگان مردان تبدیل نموده، و آن را مانند هر شی دیگر ملکیت مردان به حساب می آورد.

امروز شدیدترین نوع ستم را می توان در افغانستان مشاهده نمود. زنان این کشور در بدترین وضعیت و تحت شدیدترین فشارها به سر برده و ستم جنسیتی و وحشیانه ای بر آن ها اعمال می گردد. باروی کار آمدن دوباره طالبان حدت و شدت این فشار بیش تر و بیش تر شده و حلقه این ستم تنگ تر گردیده است.

در امارت اسلامی افغانستان نه تنها زنان از تحصیل که حق طبیعی شان است محروم گردیده اند، بل که مسأله حجاب، آن هم حجاب طالبانی ابعاد گسترده تری به خود گرفته است. در ظرف دو سال و نیمی که از عمر امارت اسلامی افغانستان گذشته است، طالبان همواره به زنان وعده می دهند: "حقوقی که اسلام برای زنان مشخص نموده برای شان خواهند داد"، "ما از آن چه که اسلام بنام حقوق زن برای شان اعطا نموده دفاع می نمائیم" و "زنان باید به اصول معارف اسلامی توجه جدی نمایند و درک مسئولیت نموده و از حجاب اسلامی منحيث آبرو و شرف خود دفاع نمایند."

این وعده و وعید طالبان به زنان، در حقیقت وعده سلطه شوونیزم مردسالار و بردگی خانگی به زنان است. زیرا از تمام بیانات شان به طور واضح و آشکار مشخص است که همه وعده و وعیدهای شان در مورد حقوق زنان به حجاب، آن هم حجاب طالبانی ختم می شود. در هر مجتمع آموزشی، پرورشی و صحنی که بروید درب و دیوارش با این شعار مزین گردیده است:

«حفظ حجاب از جمله دستورات دین مبین اسلام است، لطفاً حجاب اسلامی را رعایت نمائید.» (تصویر)



تکیه بیش از حد طالبان بر حجاب معنا و مفهوم خاصی دارد. حجاب اسلامی که طالبان روی آن تاکید می نمایند هیچ چیز نیست جز سمبول اسارت زنان.

امروز طالبان، زنان را زیر نام "بدحجابی" با جبر و زور از بین شهرها بازداشت می نمایند، در حالی که به خوبی می دانند که این عمل وحشیانه شان چه عواقب خطرناکی در سرنوشت زنان رقم می زند. اگر به موضوع بی حجابی در سطح کشور نظر بیندازیم، با صراحت می توان گفت که هیچ زنی بدحجاب نیست. و هرگاه این موضوع از دید طالبانی در نظر گرفته شود، مشکل به اصطلاح بی حجابی "مشکل" اقلیت کوچک از زنان - آنها هم صرف زنان شهری - است. طالبان این را نیز خوب می دانند که مسأله "بی حجابی!" به عنوان یک مسأله عمومی که باید این همه روی آن تاکید شود اصلاً وجود ندارد؛ ولی با آن هم روی آن تأکید می ورزند و به صورت اجباری و وحشیانه آن را بر زنان تحمیل می نمایند.

هدف طالبان از این حرکت وحشیانه شان چیست؟ هدف طالبان چیزی جز ادامه اسارت و ادامه سلطه شوونیزم مردسالار و تحکیم پایه های حاکمیت مردسالار در جامعه نیست. به همین ملحوظ است

که طالبان مسأله کوچک به اصطلاح بی‌حجابی را بالاتر از تمامی مسایل و مشکلات عمومی زنان یعنی بی‌سوادی، عقب ماندگی مفرط زنان، بی حقوقی ننگین اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در یک کلام بردگی خانگی، قرار می‌دهند. از نظر طالبان ایجاد چنین مشکلاتی برای زنان، مشکلات نه، بل که از جمله حسنات به حساب می‌آید!!

امارت اسلامی افغانستان زنان را اولین هدف سرکوب شان قرار دادند. ایدئولوژی و فرهنگ غالب فیودالی بعنوان ایدئولوژی و فرهنگ ضد زن توسط طالبان به رسمیت شناخته شده و ستم بر زن قانوناً تثبیت گردیده است. در جامعه فئودالی که اقتصاد روستایی و فرهنگ فئودالی مسلط است زنان بصورت عنعنوی حجاب اسلامی را رعایت می‌کنند.

طالبان در رابطه با زنان خیلی "منطقی" عمل می‌نمایند، زیرا ایدئولوژی شان حکم می‌نماید که زنان باید تابع مردان باشند و بدون چون و چرا از مردان اطاعت نمایند. تابعیت زن از مرد قانون برسمیت شناخته شده مذهبی است و این را هر فرد مسلمان می‌داند. کار نمودن و فعالیت زن در بیرون از خانه در فرهنگ فیودالی بی‌ننگی و بی‌غیرتی برای مردان بحساب می‌آید. پای نهادن زن بیرون از دروازه خانه عملاً خلاف ورزی مذهبی است و زن مسلمان پاک آنست که در بیرون از خانه شوهرش پای ننهد!!



از ادوار گذشته های دور تا حال در افغانستان، نقش زنان بعنوان انسان ذیدخل در مسایل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه نادیده گرفته شده و تمامی این عرصه‌ها عملاً تحت تسلط مردان قرار داشته است. جو مسلط اجتماعی در افغانستان طوری است که می‌توان گفت همه مردان به نحوی از انحاء شئوونیزم مردسالار را با خود حمل می‌نمایند. امروز در افغانستان ستم بر زنان از تمام روزه‌های اجتماع بیرون آمده و زنان مجبوراند در تمام حلقات اجتماعی از خانواده گرفته تا جامعه بار این ستم را متحمل گردند.

در ظرف دو سال و نیمی که از عمر نکبت بار امارت اسلامی افغانستان می‌گذرد، فشار ستم بر زنان آن چنان افزون گردیده که حتی حامیان امپریالیستی طالبان "مدافع حقوق زنان" افغانستان گردیده‌اند. این دفاع طلبی از حقوق زنان، جز عوام فریبی چیزی دیگری نیست. امپریالیست‌ها به هیچ وجه بدنبال حقوق انسان‌ها، منجمله زنان نیستند، بل که در پی منافع اقتصادی و سیاسی خود در افغانستان‌اند. همین منافع اقتصادی و سیاسی شان باعث گردید تا قدرت سیاسی را برای بار دوم به طالبان بسپارند. در حالی که طالبان در لیست سیاه امپریالیست‌ها به نام تروریست، ناقض حقوق بشر و ناقض حقوق زنان جای گرفته بود.

توده‌های ستم‌دیده و به خصوص زنان افغانستان به درستی شاهد آن‌اند که امپریالیست‌ها و در رأس آن امپریالیزم امریکا با سیاست طالبان در مورد زنان هم‌نوایی نشان می‌دهند. کمک‌های میلیون دلاری به خاطر تجهیز، تسلیح و آموزش نیروهای نظامی طالبان بیان‌گر آن است که سیاست امپریالیست‌ها تا چه حد وحشیانه، جاهلانه و غیر قابل تحمل است. زیرا آن‌ها به خوبی درک می‌نمایند که وعده



طالبان به زنان در چوکات شریعت اسلامی کاملاً روشن و صریح است. این را نیز می‌دانند که حقوق زنان در چوکات شریعت اسلامی نیز روشن و صریح است. کمک و هم‌کاری شان به طالبان به معنای حمایت همه‌جانبه از سیاست طالبانی است.

امروز ایدئولوگ‌های بورژوازی امپریالیستی تلاش می‌ورزند که تصویر رادیکالی از برخورد اسلام نسبت به زنان ارائه دهند، در حالی که آن‌ها به درستی می‌دانند که این احکام، احکام فقهی نبوده، بل که نص صریح آیات قرآنی اند، که هیچ‌گونه دلیلی برای منسوخ شدن و منسوخ بودن آن وجود ندارد. اصول مبتنی بر اسلام اصیل، حکم بر رعایت جبری حجاب، تن دادن به مشروعیت تعدد زوجات، محروم بودن زنان از قضاوت و رهبریت، نیمه انسان بودن زنان در شهادت و میراث، قیمومیت مردان و ... می‌نماید. همه این احکام قرآنی اند و هیچ مسلمانی حق ندارد در مورد آن‌ها شک و تردید به خود راه دهد.

شئونیزم مردسالار و اعمال ستم بر زنان یکی از اجزای اصلی ساختار جامعه است و در پیوند با ستم طبقاتی، ملی شکل عمومی به خود می‌گیرد. اشکال سه‌گانه ستم (طبقاتی، ملی و جنسی) با هم توأم بوده و در پیوند تنگاتنگ با ستم امپریالیستی قرار دارد. روی این ملحوظات مبارزه برای رهایی زنان از مبارزه طبقاتی و ملی جدایی‌ناپذیر بوده و بدون پیش‌برد مبارزه علیه تمامی این اشکال ستم موفقیت‌نهایی در امر مبارزه انقلابی ناممکن می‌باشد.

پراتیک دو نیم‌ساله امارت اسلامی افغانستان ثابت ساخت که طالبان نه تنها بر زنان محدودیت‌های ظالمانه‌ای تحمیل نمودند، بل که در عرصه حقوق آزادی‌های فردی، اجتماعی، مدنی و سیاسی آن‌چه که به مردم وعده دادند، جز تفتیش عقاید، سانسور و سرکوب شدید چیزی بیش نبود. آن‌ها همه این حقوق را از دید اسلامی مطرح می‌کنند. به این معنا که همه چیز باید سبک و بوی اسلامی داشته باشد و یا به عبارت دیگر غیر از مسایل اسلامی هیچ چیز پذیرفتنی نیست. جراید، مطبوعات، فکرها و مفکوره‌ها همه باید اسلامی باشند و هیچ جریده غیر اسلامی نباید منتشر شود، و هیچ طرز فکری غیر از طرز فکر اسلامی نباید مجاز شمرده شود.

اشغال‌گران امپریالیست در ظرف بیست سال اشغال کشور و رو در رویی با طالبان به خوبی آگاه بودند که طالبان تمامی این خواسته‌ها و اهداف سیاسی شان را در طی بیست سال اشغال کشور در مناطق تحت کنترل شان عملاً به منصفه اجرا قرار دادند. با آن هم قدرت سیاسی را با رضایت کامل و با حضورداشت ۵۸۰۰ نیروی نظامی ایالات متحده امریکا - البته غیر از حضور نظامیان بقیه کشورهای اشغال‌گر - به طالبان تسلیم نمودند. بناءً حمایت امپریالیست‌ها از "حقوق زنان" و "حقوق بشر" در افغانستان فریب و ریاکاری بیش نیست.

وظیفه و مسئولیت نیروهای انقلابی کشور تنها این نیست که چهره ارتجاعی قرون وسطایی طالبان را افشاء سازند، بل که باید جداً تلاش نمایند تا دسیسه، نیرنگ، فریب و اغواگری امپریالیست‌ها و بازی‌های پشت پرده شان با طالبان را نیز افشاء نمایند و به این طریق توهمات ذهنی که نسبت به امپریالیست‌ها و یا به عبارت دیگر "جامعه جهانی" که در نزد بعضی افراد و به خصوص زنان وجود دارد بزدایند و نشان دهند که امارت اسلامی افغانستان در خدمت منافع و حفظ و بقای طبقه فئودال و بورژوازی بروکرات، آخوندها و نوکران شان قرار دارند و "جامعه جهانی" حامی شان بوده و می‌باشد.

زنان باید این توهمات را از خود دور نمایند و بدانند که قدرت‌های امپریالیستی - جامعه جهانی - هرگز مدافع حقوق شان نبوده و به هیچ وجه زندگی انسانی را برای شان مهیا نمی‌سازد. زنانی که چنین انتظاری از "جامعه جهانی" دارند باید بدانند که این انتظار نه تنها از شدت ستم بر زن نمی‌کاهد، بل که آن‌را افزایش می‌دهد. زنان مبارز و انقلابی باید که تمام نیروهای ارتجاعی اعم از طالبی، جهادی و تکنوکرات‌ها و حامیان امپریالیستی شان را به مصاف به طلبند و علیه شان اعلان جنگ نمایند. زیرا دشمن را فقط می‌توان با نیروی قهار انقلابی از پای درآورد و نابود کرد. سرنگونی شئونیزم مردسالار طالب، پیش‌برد جدی‌ترین و پی‌گیرترین شیوه‌های مبارزاتی و جنگ تحت رهبری پرولتاریا و حزب پیش‌آهنگ آن است. و فقط به این صورت می‌توان دیوارهای پوسیده امارت اسلامی افغانستان را از بیخ و بن ویران کرد. در غیر این صورت فقط می‌توان ستم و بردگی را ابقا نمود و باز هم بر عمر منحوس آن افزود.

نیروهای ارتجاعی به خوبی آگاهند که اگر زنان در عرصه مبارزات انقلابی فعال شوند تهدید بزرگی علیه موجودیت نظام پوسیده شان می‌باشند. زنان باید بدانند که جز با تکیه بر نیروی قهر انقلابی امکان رهایی کامل میسر نیست. گره تضاد ستم جنسی، ملی و طبقاتی را فقط می‌توان از طریق قهر انقلابی حل نمود، و در یک کلام شورش بر حق است!

در شرایط و اوضاع فعلی که بر حدت و شدت ستم بر زنان از طرف ارتجاع طالبی بطور روز افزون افزایش به عمل آمده است، تکیه روی مسأله زنان یک امر بسیار جدی در پیش‌برد مبارزه انقلابی را تشکیل می‌دهد. انقلابیون با تکیه روی مسأله زنان می‌توانند گام‌های جدی در مسیر مبارزه بخاطر سرنگونی نظام موجود به پیش بردارند.

امروز در افغانستان ستم بر زن‌گربان همه طبقات اجتماعی را گرفته است. زنان باید علیه ستمی که بر ایشان روا داشته می‌شود به پا خیزند و اعتراضات خود را سازمان داده و تشکل انقلابی خود را بسازند. البته نباید ناگفته گذاشت که اعتراضات و مبارزات زنان زمانی مفید واقع می‌شود و نتیجه می‌دهد که در پیوند تنگاتنگ با جنبش انقلابی قرار گرفته و تحت رهبری آن حرکت نماید.

نظام سرمایه داری انحصاری، از یک طرف تلاش می‌نماید تا زنان را محافظه کار بار آورده و به سمت مبارزات رفرمیستی بکشاند و از سوی دیگر کارکرد این نظام، زنان گیتی را فقیرتر و فقیرتر می‌کند، و زنجیرهای ستم را بر دست و پای زنان مستحکم‌تر می‌نماید. جریان مبارزات در سطح جهان نشان‌دهنده آنست که شمار فزاینده‌ای از زنان به صفوف طبقه بین‌المللی پرولتاریا اضافه می‌شوند. این امر طبقه ما را در پیش‌برد مبارزه علیه هرگونه ستم بر زن و مردسالاری و به سرانجام رساندن وظیفه انقلابی ایجاد جهان نوین، تقویت می‌کند.

زنان مبارز و انقلابی در این روز باید خشم خود را به نیروی مبارزاتی تبدیل نمایند، و این روز را با استواری و استحکام هر چه بیش‌تر علیه ستم برزن و هرگونه ستم دیگر پیش برند.

بیائید تا کلیه زنجیرهای ستم را پاره کنیم!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه امارت اسلامی افغانستان و حامیان امپریالیستی شان!

کمیته اتحاد و انسجام نیروهای انقلابی افغانستان

هشتم مارچ ۲۰۲۴ میلادی

۱۸ حوت ۱۴۰۲ خورشیدی

www.afghanistanarmy.org

www.youtube.com//@cuarf

Emails:

cucarf@afghanistanarmy.org || Strugglecommittee4@gmail.com

paikarejawan@gmail.com || nabardezan@gmail.com || hastakargari@yahoo.com

